

جام بلورین هخامنشی و گل لوتوس

معرفی جام بلورین موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران

عبدالله جرجانی

دو دلیل می‌توان اشاره کرد:

اول این که در ادبیات کهن یونان در نمایشنامه‌های کارنیتانس که در سال ۴۲۵ قبل از میلاد توسط آریستوفان نوشته شده به استفاده از جام‌های بلورین در بار هخامنشیان اشاره شده است. در آن زمان شیشه در یونان ظاهراً کمیاب و جزء اشیای ذقیقت و تزیینی بوده است.

دوم این که طی کاوش‌هایی که در سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ (۱۳۱۰ تا ۱۳۱۸) به وسیلهٔ اریک اشمیت در ویرانه‌های خزانه‌کاخ در تخت‌جمشید انجام گرفت در حدود ۲۵ عدد ظرف شیشه‌ای در اشکال کاسه، بشقاب، جام، ریتون، سروپوش ظرف کشف شد که در میان آنها قطعاتی مربوط به بشقابی بلورین به دست آمد که بعد از بازسازی شکلی بسیار نزدیک به ظرف مذکور پیدا کرد. همچنین ظروف دیگری از این نوع که در دیگر موزه‌های جهان نگهداری می‌کنند به دست آمده است. تصویر این ظرف در کتاب شیشه ایران در صفحه ۲۷ چاپ شده است. اما خود ظرف در همان زمان احتمالاً برای مطالعه و بررسی به دانشگاه شرق‌شناسی شیکاگو ارسال شده است.

جام شیشه‌ای هخامنشی موزه آبگینه ایران تنها نمونه از این نوع ظرف است که در ایران به نمایش درآمده و چون متأسفانه از مجموعه‌داران خصوصی خریداری شده فاقد محل کشف است. اما با توجه به کشفیات و حفاری‌هایی که تاکنون صورت گرفته‌اند اغلب این نوع ظروف از نقاط مختلف خاورمیانه مانند بین‌النهرین، آناتولی و فلسطین به دست آمده‌اند.

اطلاعات ما در مورد شیشه‌های ایرانی دوره هخامنشی با توجه به تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته‌اند هنوز محدود است. اغلب این تحقیقات توسط

هنگام بازدید از ظروف شیشه‌ای «متنوع موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران»، ظرفی متفاوت با دیگر ظروف شیشه‌ای را می‌توان مشاهده کرد. این ظرف جام بلورین بسیار زیبایی هخامنشی است که در دومین تالار این موزه رویه روی در، در داخل ویتروینی مکعبی شکل جای گرفته است. در کنار این ظرف، بر روی دیوار تابلو عکسی از حجاری‌های تخت‌جمشید نصب شده است که در آن شخصی در حال اهدای ظرفی به داریوش شاه دیده می‌شود. این ظرف بسیار شبیه به جام بلورین به نمایش در آمده است.

همانگی‌یی که بین این جام بلورین و عکس مذکور وجود دارد نظر هر بیننده را جلب می‌کند. این ظرف یکی از منحصر به فردترین ظروف شیشه‌ای موزه است و از نظر فرم، تکنیک، نقش تزیینی و همچنین پیامی که همراه دارد قابل تأمل و بررسی است. مشخصات این جام بلورین که از شیشه شفاف نسبتاً ضخیم ساخته شده، به شرح زیر است:

ظاهر ظرف شبیه کاسه با لبه پهن متمایل به خارج، قطر دهانه ۲۰ سانتیمتر و ارتفاع ۹/۸ سانتیمتر (شکل ۱). کف ظرف به شکل منحنی یا ایستایی کمی نامتعادل، بالاتر از بدنه در قسمت گردن ظرف جمع شده و مجدداً در قسمت دهانه به سمت خارج متمایل گشته است. نمای خارجی ظرف با نقش قالبی گلبرگ‌های نوعی گل که از پایین ظرف (کف ظرف) به دایره‌ای کوچک متصل شده، تزیین یافته است. این گلبرگ‌ها تا شانۀ ظرف ادامه دارند و در زیر نوار دایره‌ای شکل در قسمت گردن ظرف ختم می‌شوند. مجدداً درون شکم این گل (درون دایره کوچک) نقش گل دیگری با تزیین تراش با گلبرگ‌های کوچکتر به چشم می‌خورد. این دو گل با هم متحدالمرکز هستند. در مورد این که این ظرف را به دوره هخامنشی نسبت داده‌اند به



شکل ۱

و تعداد گلبرگ‌های تقریباً مشابه آنها مقایسه کرد. این چهار جام عبارت بودند از: جام بلور ایفس با هجده گلبرگ که قبلاً پل فوسینگ آن را در ارتباط با بلور ایران معرفی کرده بود؛ جام بلور موزه کورنینگ با شانزده گلبرگ. جام بلور موزه کلن آلمان با نوزده گلبرگ؛ دومین جام موزه بریتانیا با شانزده گلبرگ.

در نشریه *Journal of Glass* چاپ ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) در مطلبی تحت عنوان «کاسه‌های بلور دوره هخامنشی» به نقل از متن تاریخ‌دار» در معرفی سه نمونه دیگر از این نوع کاسه‌ها چاپ شد.

این ظروف که در موزه Corning آمریکا، کلکسیون خانواده دابکین (Dobkin) در بیت المقدس و مونیخ جای دارند، بعد از آزمایش‌های شیمیایی به سده پنجم قبل از میلاد و به امپراتوری هخامنشی نسبت داده شده‌اند. در این نشریه همچنین اشاره‌ای به چگونگی دستیابی به این ظروف، که اغلب در معابد و گورستان‌ها کنار اسکلت مردگان یافت شده‌اند، شده است.

و اما جدیدترین اطلاعاتی که توانسته‌ایم به آنها

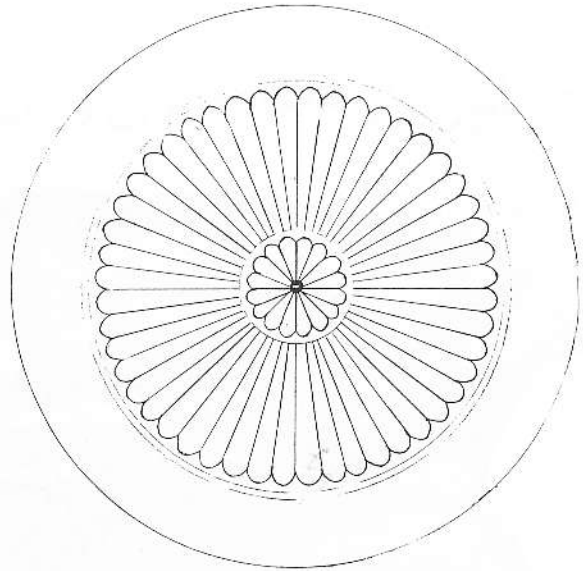
اولیور اعتقاد دارد که اولین بار شخصی به نام آستن اچ. لایارد (Austin H. Layard) در سال ۱۸۴۰ میلادی (۱۲۵۶ ه.ق.) به هنگام حفاری در نیمرو (شهر قدیمی مملکت آشور در جنوب موصل عراق) موفق شد تعدادی از این نوع ظروف بلورین را که بعداً کمک شایانی به شناخت بلور ایران باستان کرد، کشف کند. به علاوه از حفاری‌هایی که بعدها در نیمرو و تخت جمشید و همچنین اماکن مجاور این دو محل انجام گرفت مقادیری ظروف بی‌عیب ساخت ایران که سازنده آنها تقریباً مجهول است پیدا شد.

در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) پل فوسینگ (Poul Fossing) اولین شخصی بود که اظهار داشت که بین قطعات بلور موجود در موزه بریتانیا و بلور ایران، که اریستوفان به آنها اشاره کرده است، ارتباطی وجود دارد. موزه متروپولیتن نیویورک نیز کمی قبل از ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) ضمن گزارشی جام بلورین خود را که از بین‌النهرین به دست آورده است در ارتباط با بلورهای هخامنشی با چهار ظرف بلورین که در موزه‌های مختلف جای دارند برحسب ساختمان و شکل ظاهری

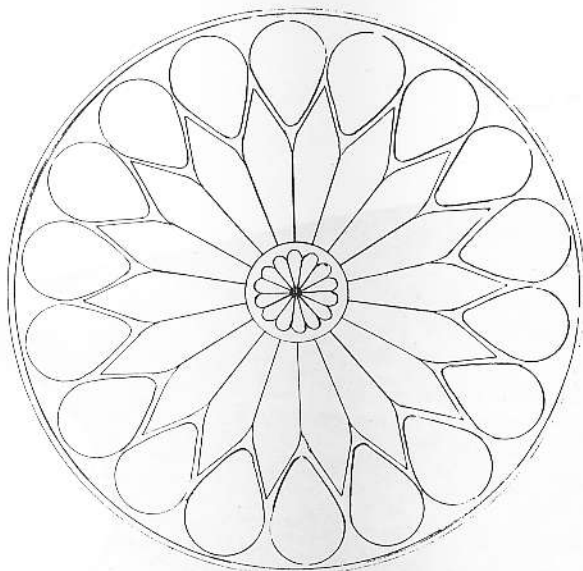
موزه‌های مختلف جهان انجام گرفته‌اند و از مواردی که می‌توانیم به آنها دسترسی داشته باشیم یکی انتشارات «موزه شیشه کورنینگ» امریکاست. این موزه با انتشار گزارش‌هایی در چند شماره از نشریه خود تحت عنوان *Journal of Glass* نقش مؤثری در معرفی این ظروف ایفا کرده است.

موزه بریتانیا نیز در کتاب شماره ۱ خود با نام *Catalogue of Western Asiatic Glass in the British Museum* (صفحه ۵۶-۵۹) مطلبی در مورد شیشه‌گری دوره هخامنشی به چاپ رسانده است.

آندره اولیور (Andrew Oliver) در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) مقاله‌ای در نشریه مطالعات شیشه به چاپ رساند که ترجمه آن تحت عنوان «شیشه‌های صادراتی ایران باستان» در مجله هنر و مردم (شماره هفتادویکم، دی ۱۳۵۵) به چاپ رسید. در این مقاله ضمن معرفی تعدادی از این نوع ظروف هخامنشی و محل کشف آنها اقدام به مقایسه این ظروف با هم کرده و مقایسه‌ای هم با ظروف طلایی و نقره‌ای مشابه که در دوره هخامنشیان متداول بوده‌اند، انجام داده است.



شکل ۲. طرح کف ظرف جام بلورین هخامنشی (موزه آبیگینه و سفالینه‌های ایران).



شکل ۳. نمونه‌ای از طرح کف ظرف یکی از جام‌های هخامنشی، در این نمونه نوع گلبرگ‌های گل کوچک و گل بزرگ متفاوت است. این جام از جنس نقره است، و در موزه لندن نگهداری می‌شود.

دسترسی پیدا کنیم کشف نمونه‌های دیگر از این ظروف در آلمان است. این جام در ۵۰ کیلومتری شهر اشتوتگارد از زیر خاک بیرون آورده شد. این مطلب در شماره ۶ مجله گئو (Geo) در ژوئن ۱۹۹۵ (خرداد ۱۳۷۴) به چاپ رسید و محققان و باستان‌شناسان آلمانی بعد از تحقیقات اعلام کردند که این ظرف را زره‌پوشان هخامنشی به عنوان تحفه همراه آورده و به حاکم آنجا هدیه کرده‌اند.

یافت اخیر نیز به نوعی نفوذ فرهنگ ایرانی را در آن دوره در غرب نمایان می‌سازد. چنانچه این امر در حکومت پارت و ساسانی با توجه به کشفیات آثار شیشه‌ای ایران در ارتفاعات البرز تأیید می‌شود به وضوح نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی نقش مؤثری در تبادلات فرهنگی میان شرق و غرب ایفا می‌کرده است، چنان که مشابهت این اشیاء با اشیاء دیگری که در فاصله مکانی آلمان تا ژاپن پیدا شده‌اند این ادعا را ممکن می‌سازد.

در حال حاضر جام‌های بلورین هخامنشی در بسیاری از موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی جهان یافت می‌شوند. پاره‌ای از این مراکز به شرح زیر هستند:

- ۱- موزه شیشه Corning، آمریکا؛
- ۲- موزه متروبولیتن، آمریکا؛
- ۳- موزه بریتانیا، انگلستان؛
- ۴- موزه کلن، آلمان؛
- ۵- موزه مونیخ، آلمان؛
- ۶- موزه آرمیتاژ، سن پترزبورگ، در روسیه؛

۷- موزه آنکارا، ترکیه؛

۸- کلکسیون شخصی خانواده دابکین، بیت المقدس؛

۹- موزه دوسلدورف، آلمان؛

ظروف بلورین دوره هخامنشی به طور کلی در موارد زیر مشترک هستند:

۱. تمامی این ظروف ساخته شده از شیشه شفاف روشن متمایل به سبز کم‌رنگ هستند که نمایانگر دسترسی شیشه‌گران به کوره‌های ذوب شیشه پیش‌رفته در آن زمان است.
۲. فن ساخت این ظروف تماماً روش فشرده در قالب است، این فن نخستین بار در صنعت شیشه‌گری به کار گرفته شده است.
۳. در کنار تزئین قالبی بر روی اغلب ظروف تزئین تراش نیز به چشم می‌خورد که قبل از آن متداول نبوده است.
۴. ظروف شیشه‌ای این دوره کاملاً ملهم از ظروف طلایی و نقره‌ای همین دوره هستند.
۵. اغلب این ظروف در گورستان‌ها کشف شده‌اند که نشان از جایگاه خاص این ظروف در نزد صاحبانشان دارد.
۶. این ظروف، علی‌رغم ابعاد متفاوت شکل ظاهری آنها، نزدیک به هم هستند، از جمله انحنا گردن اغلب این ظروف به سمت داخل است و سپس لبه به خارج برگشته است. کف تمام این ظرف‌ها به صورت منحنی یا محدب است.

۷. قسمت اعظم این ظروف با گلبرگ‌های نوعی گل به صورت برجسته احاطه شده است، عموماً درون شکم این گل‌ها، گل کوچک دیگری به چشم می‌خورد که دارای مفهوم و معنی خاصی است، در موارد نادر نیز در این ظروف، درون شکم گل به جای نقش گل کوچک، شکم گل برجسته نشان داده شده است (این نوع تزئین عموماً در ظروف فلزی ایلامی هزاره اول قبل از میلاد زیاد به چشم می‌خورد).

اگر قدری دقیق به هر یک از جام‌های هخامنشی بنگریم ظرفی را مشاهده می‌کنیم که در داخل جام گلی قرار گرفته است. یا در واقع خود ظرف به مانند یک گل کاملاً شکفته شده نمایش داده شده است (یک جام گل بلورین).

با توجه به مراتب فوق می‌توان ظروف بلورین هخامنشی را نقطه عطفی در صنعت شیشه جهان محسوب داشت. زیرا که این ظروف پیام مهمی به همراه دارند: پیام تحول و نوآوری در صنعت شیشه، پیام نوآوری در ساخت شیشه‌های شفاف، نوآوری در فن ساخت ظروف قالبی و تزئین تراش، و همچنین شروعی برای دستیابی به روش ساخت شیشه‌های دمیده آزاد و دمیده در قالب در سده‌های بعد. چنان که اشاره شد در دوره‌های پارت و ساسانی شیشه‌های ایران به دورترین نقاط خاور دور و خاور نزدیک صادر شدند.

اما برای شناخت و مطالعه دقیقتر ظروف بلورین

هخامنشی با آن همه ویژگی‌های خاص شناخت نوع گل و نقش آن بر روی ظروف ضروری است. ادامه این مقاله نیز در همین زمینه است.

در نشریات گوناگون هرگاه مطلبی در خصوص ظروف شیشه‌ای هخامنشی منتشر شده است معمولاً اشاره‌ای به نوع گلی که ظرف را احاطه کرده نشده است.

این گل موجود در موزه آبیگینه و سفالینه‌های ایران را برخی «روزت»، برخی «لوتوس» (نیلوفر آبی) و برخی دیگر «کوکب» (به خاطر ازدیاد گلبرگ‌ها) نامیده‌اند.

در موزه ملی ایران نیز نقش گل برجسته روی ظرف طلایی و نقره‌ای هخامنشی را اغلب روزت می‌نامند. نه تنها نقش این نوع جام‌ها را، بلکه بسیاری از ظروف با نقش گل همچنین نقش برجسته حجاری‌های تخت جمشید با نقش گل را با واژه روزت اغلب عنوان می‌کنند.

در لغت‌نامه دهخدا «رز» نام فرانسوی گل سرخ و گل محمدی است و «روزت» نیز نام سنگ‌نوشته‌ای است به خط مصری قدیم که به سال ۱۷۹۹ میلادی در قلعه سن ژولین به وسیله سربازان فرانسوی کشف شد. اولین افرادی که در سرزمین‌های مختلف اقدام به حفاری کردند باستان‌شناسان فرانسوی در زمان ناپلئون بودند. این افراد با مشاهده نقش گل بر روی ظروف و حجاری‌ها آن را «رز» یا «روزت» نامیدند. نام روزت از آن پس میان باستان‌شناسان کشورهای دیگر متداول گشت. اما دلیلی در دست نیست که این نقش روزت باشد. برخی از کارشناسان نظرشان این است که برای تفکیک لوتوس از روزت باید به گلبرگ‌ها توجه شود. اگر نوک گلبرگ‌ها مثلثی شکل باشد آن نقش گل لوتوس است و اگر نوک گلبرگ به شکل منحنی یا گرد باشد روزت خواهد بود. البته شکل طبیعی این گل‌ها نیز چنین است. ظروف بلورین هخامنشی نیز با این دو نقش نمایش داده شده‌اند. نوک برخی از این گلبرگ‌ها مثلثی و برخی دیگر دایره‌ای شکل است. ظروف هخامنشی را در مجموع از نظر گلبرگ و ابعاد به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱. ظروفی که ارتفاع آنها در حدود $\frac{1}{3}$ قطر دهانه است و تقریباً شبیه بشقاب توگود است. نقش گلبرگ‌ها بر روی این نوع ظروف عموماً پهن بوده و نوک آنها مثلثی شکل است.

۲. ظروفی که ارتفاع آنها در حدود $\frac{1}{4}$ قطر دهانه است. به این نوع ظروف کاسه اطلاق می‌شود مانند ظرف موزه آبیگینه به ابعادی که قبلاً اشاره شد و «ظرف توگود موزه مونیخ با قطر $\frac{11}{4}$ سانتیمتر و ظرف توگود اورشلیم مجموعه دابکین به قطر ۱۲ و ارتفاع ۷ سانتیمتر و ظرف گود کورنینگ به ارتفاع $\frac{6}{8}$ و قطر ۱۶

سانتیمتر». (شکل این ظروف در مجله هنر و مردم، شماره هفتادویکم، ۱۳۵۵، چاپ شده است).

مجموع گلبرگ‌های این نوع ظروف حجم بیشتری دارد، به طور مثال تعداد گلبرگ‌های جام موزه آبیگینه در حدود ۵۶ عدد است. در این نوع تزئین عموماً گلبرگ‌ها باریک و کشیده و نوک آنها گرد است (شکل ۲). در هر دو گروه، درون شکم اغلب این گل‌ها همان طور که قبلاً اشاره شد گل دیگری یا گلبرگ‌های کمتر وجود دارد، در برخی از ظروف مانند (شکل ۳) نوک گلبرگ‌های گل کوچک و بزرگ همخوانی ندارند و نمی‌توانیم بگوییم گل بزرگتر لوتوس است و گل کوچکتر روزت است. در صورتی که گل کوچکتر که درون شکم گل بزرگتر در حال نمو است به طور حتم می‌بایست از جنس گل مادر باشد.

در مجموع ظروفی که به شکل بشقاب توگود یا کاسه و ظروف همشکل از دوره هخامنشیان به یادگار مانده‌اند، چه شیشه‌ای و چه فلزی - ظروفی که به وسیله گلبرگ‌های گلی احاطه شده‌اند - نمی‌توانیم صرفاً به خاطر نوع تزئین گلبرگ‌ها برخی را روزت و برخی را لوتوس بنامیم. زیرا که صنعتگران و هنرمندانی که اشتغال به ساختن و تزئین این نوع جام‌ها داشتند معمولاً ذوق و سلیقه و مهارت‌های فردی را در تزئین این نوع ظروف به کار می‌بردند.

ظرفی که پیرامون آن را بیش از ۵۰ گلبرگ کشیده احاطه کرده‌اند دیگر نمی‌تواند نوک مثلثی داشته باشد، زیرا که تا اندازه‌ای از حالت گلبرگ خارج می‌شود و بیشتر شباهت به تیزه پیدا می‌کند. برای اعلام نظر دقیقتر در مورد نوع این گل شناخت این نوع ظرف و کاربرد آن در نزد مردم در آن زمان نظر ادیبان و فرهنگ‌ها و تاریخ اساطیر در مورد گل‌ها ضرورت دارد. در پی معانی مقدس انواع گل‌ها و مرور در فرهنگ‌ها و مذاهب دنیا، نوعی گل به گونه‌ای اسرارآمیز توانسته است در تمامی مذاهب و ادیان باستان اثری ژرف و فلسفی داشته باشد. این گل نمادین که می‌توان آن را وجه مشترک ادیان دانست چیزی جز لوتوس (نیلوفر آبی) نیست.

در کتاب *The Encyclopedia of Religion* بخش لوتوس، این گل به طور اجمال معرفی شده و مهمترین نماد در ادبیات و مذهب مردم هند بوده است. در واقع این گل بدون هیچ‌گونه ارتباطی با این قوم در مقام نماد در آسیای شرقی، ایران و مصر باستان نیز ظاهر شده است.

تجدید حیات نشانه امید انسان‌هاست. نقش این گل نمادین به مرور در معابد، کاخ‌ها و دست‌سازهای بشر ظاهر می‌شود. طی کاوش‌های باستان‌شناسی بسیاری ظروف که با نقش گل نیلوفر مزین شده‌اند از

مقابر به دست آمده است.

نیلوفر آبی در اساطیر ایران به نام گل ناهید و مظهر شمس و روشنائی شناخته شده است. تصور اصلی ماه نیز هستی در ادیان ایران قدیم بوده است. نیلوفر آبی آیین مهرپرستی دارد. ایرانیان قدیم همه ساله روز هفتم مرداد جشنی برپا می‌داشتند به نام جشن نیلوفر. در این جشن هر حاجتی را که از پادشاه می‌خواستند، روا می‌داشت. (لغت‌نامه دهخدا).

در زمان هخامنشیان لوتوس زینت‌بخش تمین این دوره می‌شود و در تمام کارهای هنری ظاهر می‌شود. در حجاری‌های تخت جمشید بر روی ستون‌ها، حاشیه دیوارها و حتی دست شاهان و برخی از بزرگان ساخه نیلوفر دیده می‌شود.

ظرفی که در این دوره ساخته می‌شدند خصوصاً جام‌های طلایی و نقره‌ای و بلوری، دقت و هنر ماهرانه‌تری دارند. به طوری که نقش برجسته گلبرگ‌های لوتوس قسمت اعظم ظرف را فرا می‌گیرد و شکل این نوع ظرف‌ها ملهم از خودگل لوتوس می‌شود. جام بلورین موزه آبیگینه نیز چنین است.

با توجه به آن چه در مورد گل لوتوس گفته شد، به عقیده نگارنده نقش جام‌های هخامنشی که شبیه جام گل ساخته شده‌اند و توسط گلبرگ‌های گلی احاطه شده‌اند به دلایل زیر نقش لوتوس است:

۱. اتفاق نظر ادیبان و تاریخ اساطیر در مورد گل لوتوس در مقام نماد؛

۲. این گونه جام‌ها به خاطر شکل ظاهری از جمله لبه پهن به خارج برگشته و ایستایی ضعیف مورد کاربرد نداشتند تنها به عنوان نمادی از لوتوس یا گل زندگی مطرح بوده است.

۳. اغلب این جام‌ها از مقابر و گورستان‌ها کشف شده‌اند زیرا که لوتوس رابط انسان و خدایان بوده است و در زندگی پس از مرگ و در بهشت نیز نقش داشته است.

۴. لوتوس مظهر تولد و تولد دوباره بوده، هنرمندان در آن زمان کوشیده‌اند تا با ایجاد نقش گل کوچک درون شکم گل بزرگتر تولد دوباره یا زندگی جاوید را به نوعی تداعی کنند.

در حجاری‌های تخت جمشید نیز نمی‌توان گفت که شخصی که حامل هدیه جام هخامنشی به داریوش شاه است تنها یک جام نفیس و گرانبیست را هدیه نمی‌کند. بلکه گل لوتوس را (در قالب یک جام بلورین یا طلایی) یا گل زندگی و آفرینش را احتمالاً به مناسبت پیوند نزدیکتر شاه با هورامزدا تقدیم وی می‌کند.